

پیشگیری از جرایم یقه سفیدی در سیره معصومین (ع)

امیرحسین شبانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشگاه علوم قضایی ، تهران ، ایران.
shabani1378@chmail.ir

عرفان ریاسی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشگاه علوم قضایی ، تهران ، ایران.
riasi@chmail.ir

چکیده

در ادبیات معاصر حقوق کیفری ، بزهکاران به دو دسته مجرمین عادی و مجرمین یقه سفید تقسیم می شوند . مراد از مجرمین یقه آبی ، آن دسته از عموم مردم جامعه هستند که مرتکب جرم می شوند و منظور از مجرمین یقه سفید ، خواص ، کارگزاران حکومتی و افراد دارای مقام و موقعیت خاص در جامعه می باشد. نرخ ارتکاب جرایم یقه سفیدی در مقایسه با جرایم عادی، کمتر است ؛ لکن دامنه تأثیر و خسارات وارده از ناحیه ارتکاب جرایم یقه سفیدی بیشتر می باشد. مجرمین یقه سفید همواره در طول تاریخ وجود داشته اند و در سیره معصومین (ع) موارد متعددی از نحوه برخورد با این دسته از مجرمین و روش های پیشگیری از وقوع جرایم یقه سفیدی مشاهده می شود. دین مبین اسلام ، بر امر پیشگیری از جرایم و انحرافات فردی و اجتماعی به منظور برخورداری انسان ها از یک زندگی سالم و مطلوب و در نهایت ، تأمین سلامت و سعادت دنیوی و اخروی افراد توجه ویژه ای دارد . گفتار و رفتار معصومین (ع) به عنوان یکی از آموزه های ارزشمند و راهگشا در دین اسلام ، دارای روش های حکیمانه و تأثیر گذاری در زمینه پیشگیری از وقوع جرم می باشد. در این پژوهش ، تدابیر ناظر به پیشگیری از جرایم یقه سفیدی در سیره معصومین (ع) مورد واکاوی قرار گرفته و مهم ترین این اقدامات ، حول دو رویکرد اصلاحی و تنبیهی بیان گردیده است.

واژگان کلیدی: سیره معصومین ، پیشگیری ، جرایم یقه سفیدی، رویکرد اصلاحی ، رویکرد تنبیهی.

مقدمه

وقوع جرم ، همواره یکی از مهم ترین چالش های زندگی اجتماعی بشر بوده است و در طول تاریخ ، جوامع بشری تلاش های زیادی برای مقابله با مجرمین نموده اند. برخی از جرم شناسان و حقوقدانان بر لزوم اقدامات کیفری و اعمال مجازات در جهت مقابله با جرم تأکید دارند و برخی دیگر با اشاره به ناکارآمدی کیفر در مهار و کاهش ارتکاب جرم ، با تکیه بر یافته های دانش جرم شناسی بر مقابله با علل و عوامل و بستر های جرم زا و به بیان دیگر بر پیشگیری از جرم تأکید می نمایند . جرم شناسان در ابتدای سیر مطالعات خود ، بزهکاری را در میان طبقات افراد محروم و کمتر برخوردار جامعه مورد بررسی و مطالعه قرار می دادند و از بررسی بزهکاری در میان افراد طبقات ثروتمند و برخوردار جامعه ، غفلت می ورزیدند تا اینکه با رشد و توسعه مکتب جرم شناسی مارکسیستی ، جرم شناسان به این فکر افتادند تا در تحقیقات و پژوهش های علمی خود ، به واکاوی بزهکاری در میان افراد ثروتمند و حاکمان جامعه نیز بپردازند. به تدریج حوزه مطالعه و پژوهش در زمینه

جرایم ارتكابی طبقات مرقه و کارگزاران حکومتی، عباراتی تحت عنوان «مجرمین یقه سفید» و «جرایم یقه سفیدی» را بر سر زبان‌ها انداخت و بعد از مدتی، این عبارات به عنوان اصطلاحات ویژه برای اشاره به بزهکاری طبقات بالادست و حاکمان جامعه، مورد استفاده در مطالعات جرم‌شناسی و ادبیات حقوق کیفری قرار گرفت.

دین مبین اسلام دربرگیرنده یک برنامه کامل و جامع برای زندگی دنیوی و اخروی انسان‌ها و تضمین‌کننده سعادت و رستگاری آن‌ها می‌باشد. بدون تردید یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دین اسلام، ارائه راهکارهای مفید و مؤثر در زمینه پیشگیری از وقوع جرم در جامعه اسلامی است. معصومین (ع) به عنوان پیشوایان دین اسلام، با سخنان و اقدامات خود، همواره مردم را از ارتكاب انحرافات اخلاقی و اجتماعی برحذر داشته‌اند و برای هدایت و رستگاری امت اسلامی، تلاش نموده‌اند. یکی از بخش‌های بسیار مهم در سیره عملی معصومان، پیشگیری از وقوع جرایم در جامعه می‌باشد. گرچه اصطلاح جرایم یقه سفیدی، عمری بیشتر از ادبیات معاصر حقوق کیفری ندارد، لکن این عبارت به نوع خاصی از جرایم اشاره دارد که توسط طبقات مرقه، حاکمان و کارگزاران حکومتی ارتكاب می‌یابند و از آنجا که مصادیق زیادی از بزهکاری این افراد در عصر معصومین (ع) وجود داشته است، آن بزرگواران در سیره خویش، تدابیری را در جهت پیشگیری از وقوع و تکرار این قبیل جرایم به کار گرفته‌اند که شناخت و استفاده از این روش‌ها توسط دستگاه قضایی، می‌تواند نقش بسیار مؤثری در زمینه کاهش نرخ ارتكاب جرایم یقه سفیدی داشته باشد. در این پژوهش، ابتدائاً مفهوم پیشگیری از وقوع جرم، سیره معصومین (ع) و جرایم یقه سفیدی تبیین می‌گردد و سپس ضمن بیان مهم‌ترین مصادیق از جرایم یقه سفیدی، تدابیر پیشگیرانه معصومان در این خصوص، حول دو رویکرد اصلاحی و تنبیهی بیان می‌گردد.

مبحث اول. تعریف مفاهیم

برای شناخت سیره معصومین (ع) در زمینه پیشگیری از جرایم یقه سفیدی، در ابتدای امر، نیاز به تعریف مفهوم پیشگیری از جرم، سیره معصومین (ع) و جرایم یقه سفیدی می‌باشد.

گفتار اول. پیشگیری از جرم

جرم عبارت است از کنش‌های مخالف نظم اجتماعی افراد در جامعه که به موجب قانون برای آن مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده است. (نورپها، ۱۳۹۲) پیشگیری در فرهنگ لغت به معنای «جلوگیری» و «دفع» یک رویداد، قبل از وقوع آن آمده است و عمل پیشگیری کردن نیز در معنای «مانع شدن» و «جلوگیری نمودن» به کار رفته است. (معین، ۱۳۷۷) پیشگیری و یا معادل لاتین آن که واژه «prevention» می‌باشد، به صورت رایج و شایع در معنی «پیش دستی نمودن، پیشی گرفتن» و همین‌طور «آگاه نمودن، هشدار دادن زود هنگام واقعه و یک خبر» و... به کار رفته است. آن معنایی که در جرم‌شناسی پیشگیرانه، از پیشگیری اراده می‌شود، نخستین معنا - یعنی پیش دستی نمودن و پیشی گرفتن - می‌باشد. مطابق این معنا، جرم‌شناس می‌کوشد تا با هدف جلوگیری از ارتكاب جرم توسط یک فرد، از روش‌ها و وسیله‌های گوناگونی بهره‌برد و با پیشی گرفتن از فردی که در موقعیت ارتكاب یک بزه می‌باشد، شرایط لازم برای انجام عمل مجرمانه را از او سلب نماید. (اکبری، ۱۳۸۰)

گفتار دوم. سیره معصومین (ع)

کلمه «سیره» در لسان عرب، اسم مصدر می‌باشد و از ماده «سیر» گرفته شده است و بر وزن «فعله» که رساننده گونه‌ای از حرکت کردن و شیوه‌ای از سیر کردن، می‌باشد. مصدر این ماده در باب ثلاثی مزید، واژه «تسیر» می‌باشد که دارای معنی به راه انداختن و واداشتن به انجام کار است. (جمعی از محققان، ۱۳۸۹) همچنین کلمه سیره در افاده معنای راه، روش، طریقه و سنت و حتی با بسط معنایی در مقام افاده عادت نیز به کار رفته است. (النهاییه، سیره بر وزن فعله، بیانگر مفهوم شیوه، روش، رفتار، عادت و گونه‌ای از حرکت و انجام اعمال می‌باشد. (حکیم، ۱۴۱۸) شناخت سیره معصومین (ع) در پیشگیری

از جرایم یقه سفیدی، به معنای شناخت راه، روش، رفتار و طریقه ی عملکرد آن بزرگواران در زمینه پیشگیری از وقوع این قبیل جرایم است. مراد ما از معصومین (ع) نیز، پیامبر اسلام (ص)، حضرت زهرا (س)، حضرت علی (ع) و یازده تن از فرزندان گرامی ایشان می باشد.

گفتار سوم. جرایم یقه سفیدی

برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۴۰ م. اصطلاح جرایم یقه سفیدی را «ادوین اچ. ساترلند»^۱ جرم شناس مشهور آمریکایی پیرو مکتب شیکاگو، به کار برد. او در انجمن جامعه شناسی آمریکا، از این عبارت برای اشاره به مکتب خاصی از مطالعات جرم شناسانه بهره برد و بعد از آن نیز مقاله ای را با عنوان «جرایم یقه سفیدی» در مجله جامعه شناسی آمریکا، به چاپ رساند. (Odum, 1950) منظور ادوین ساترلند از جرایم یقه سفیدی، جرایمی است که توسط افراد طبقات مرّقه جامعه صورت می پذیرد. این افراد در اجتماع، از احترام و جایگاه بالا و ویژه ای برخوردار هستند در جامعه ی خود به عنوان انسان های ثروتمند، بالا مقام و الگوی موفقیت مورد شناسایی قرار می گیرند. برای این دسته از افراد، این امکان مهیا می باشد تا با بهره گیری از قدرت و توان مالی و مادی خود، بر روی اعمال مجرمانه ای که مرتکب می شوند، سرپوش بگذارند و جلوی مقامات دستگاه قضایی که قصد تحقیق و تعقیب نسبت به جرایم آن ها را دارند، مقاومت نموده و خود را به عنوان افرادی پاک و بی گناه جلوه دهند. (مظلومان، ۱۳۵۳) در واقع باید گفت، منظور از جرایم یقه سفیدی، دسته ای از جرایم ناهمگون می باشد که از طرف افرادی که دارای جایگاه و موقعیت بالایی در جامعه می باشند، ارتکاب می یابد و به سبب اعتماد جامعه و قدرت مالی در اختیار مجرمین، هیچ انگشت اتهامی به سمت این افراد دراز نمی شود و همواره به عنوان انسان هایی متشخص و با عملکرد مشروع در اذهان عمومی شناخته می شوند. (موسوی مجاب، ۱۳۸۸)

مبحث دوم. مصادیق جرایم یقه سفیدی

بعضی از جرم شناسان، دامنه مصادیق و عناوین مجرمانه ای که مجرمین یقه سفید مرتکب آن می شوند را بسیار وسیع می دانند. این گروه از جرم شناسان بر این باور اند که حتی در زمانی که برخی از قضات محاکم، تحت تأثیر اغواگری های متهمان زن برای اتخاذ یک تصمیم غیرعادلانه و به نفع یکی از اصحاب دعوا، رأی می دهند و از مسیر عدالت و بی طرفی خارج می شوند، در زمره ی بزهکاران یقه سفید قرار می گیرند؛ یا هنگامی که کارفرمایان در محیط های کارگاهی، کارگران را در شرایط نامناسبی به کار می گیرند، بازهم جرایم یقه سفیدی به وقوع می پیوندد. (موسوی مجاب، ۱۳۸۸) با این حال، آنچه که امروزه بیشتر از سایر عناوین مجرمانه به عنوان مصادیق جرایم یقه سفیدی مورد توجه می باشد، آن دسته از جرایمی است که اکثراً دارای جنبه مالی بوده و عواید و منافع مادی برای مرتکبین به ارمغان می آورد. از این رو، مهم ترین مصادیق جرایم یقه سفیدی را می توان اینگونه برشمرد:

گفتار اول. کلاهبرداری

با عنایت به این موضوع که مجرمین یقه سفید به تبع قرارگفتن در موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتر نسبت به عموم مردم جامعه از توانایی مالی و مادی خوبی بهره مند هستند، عموم افراد جامعه به این اشخاص اعتماد می کنند و همین اعتماد عمومی باعث می شود تا راه ارتکاب برخی از جرایم، نظیر کلاهبرداری برای مجرمین یقیه سفید، هموار گردد. کلاهبرداری جرمی است که در آن، فرد مرتکب با توسل به وسایل متقلبانه، طرف مقابل خود را فریب داده و به این وسیله مال دیگری را حتی با رضایت و همراهی وی می برد. نتیجتاً، مهم ترین مصادق و نمونه ای بارز از جرایم یقه سفیدی، جرم کلاهبرداری است؛ زیرا ارتکاب این عمل مجرمانه، برای افراد دارای جایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا و دارندگان سمت های دولتی، به سبب وجود اعتماد عمومی نسبت به ایشان، به راحتی امکان پذیر است. (Freiberg, 2000)

¹ Edwin H. Sutherland

گفتار دوم. جرایم علیه دولت

در اکثر مواقع ، به نظر می رسد که مجرمین یقه سفید ، رفتار و کرداری کاملاً مطابق با قانون و مقررات جامعه دارند. این دسته از افراد با استفاده از خدعه ها و نیرنگ های گوناگون و همچنین با بهره گیری از برخی الفاظ و عبارات قانونی ، اقدام به چپاول اموال دولتی و سرقت سرمایه های عمومی می کنند. اختلاس، ارتشاء، جرایم مالیاتی ، جرایم گمرکی از جمله مهم ترین مصادیق عناوین مجرمانه ای هستند که توسط مجرمین یقه سفید ، علیه دولت و سرمایه های عمومی ، ارتکاب می یابند. به عنوان مثال در خصوص جرایم گمرکی ، مجرمان یقه سفید ، در اکثر موارد بدون آنکه کوچک ترین هزینه ای را برای پرداخت حقوق و عوارض قانونی بر صادرات و واردات پرداخت کنند ، کالاهای گران قیمت را به راحتی وارد کشور می نمایند و از طریق فروش آن ها با مبالغ هنگفت ، سودی سرشار و فراوان را به جیب می زنند. در ارتکاب جرایم گمرکی ، مسبوق به سابقه است که مجرمین در کانال ها و اسکله های غیرقانونی و خارج از نظارت سازمان گمرک ، مبادرت به بارگیری یا پیاده سازی کالاهای قاچاق می کنند و از طریق اعمال نفوذ و پرداخت رشوه به برخی از مسئولین و بازرسان ، سرمایه های ملی را به تاراج می برند. این مورد تنها یکی از مصادیق جرایم علیه دولت است که توسط مجرمین یقه سفید به وقوع می پیوندد و خسارات مالی سنگینی را به نظام مالی کشور وارد می آورد. (سلاجقه و همکاران، ۱۳۹۸)

گفتار سوم. جرایم زیست محیطی

یکی دیگر از مصادیق جرایم یقه سفیدی ، جرایم علیه محیط زیست می باشد. مجرمین یقه سفید ، در بسیاری از اوقات با ایجاد کردن کارخانجات صنعتی آلاینده و یا انجام دادن بعضی از فعالیت های تولیدی در مکان های غیرمجاز و یا بدون رعایت استانداردهای حداقلی لازم برای حفظ محیط زیست ، مرتکب جرایم زیست محیطی بسیاری از جمله ایجاد آلودگی هوا ، رهاسازی فاضلاب های صنعتی در رودخانه ها و دریاچه ها، دفع غیراصولی پسماند ها و زباله های صنعتی ، استفاده از ذخایر استراتژیک آبی با حفر چاه های غیرمجاز و... می شوند. (Croal, 2001) یکی دیگر از جرایم زیست محیطی بسیار شایع ، اصطلاحاً پدیده کوهخواری ، جنگل خواری ، زمین خواری و... می باشد. مختصراً در باب معناشناسی این لغات ، اشاره به این موضوع کفایت می کند که بگوییم در موارد فراوانی ، مجرمین یقه سفید ، برای کسب منافع مالی و سود های کلان ، دست به تخریب محیط زیست می زنند و با ساخت و ساز های بی رویه و فروش خانه ها و ویلاهای مدرن و پر زرق و برق در مناطق کوهستانی و جنگلی ، با از بین بردن کوه ها ، قطع کردن درختان و خشک کردن زمین های آباد ، نظم طبیعت و زیست بوم را به هم می زنند و افراد بسیار زیادی از عموم مردم جامعه را در دام بلایا و خطرات ناشی از این اقدامات سوجدجویانه قرار می دهند. (میرمحمدصادقی و رجبعلی، ۱۳۹۶)

مبحث سوم. تدابیر ناظر به پیشگیری از جرایم یقه سفیدی در سیره معصومین(ع)

در عصر معصومین (ع) ، بسیاری از جرایم یقه سفیدی بسته به شرایط و مقتضیات همان زمانه، به وقوع می پیوستند. به عنوان مثال در زمان حکومت حضرت علی (ع) ، بسیاری از امرا و کارگزاران حکومتی بعد از به خلافت رسیدن آن حضرت و مواجه شدن با رویکرد عدالت محور ایشان در امر زمامداری جامعه ی مسلمین ، مناصب حکومتی و وضعیت مالی خویش را در خطر می دیدند و برای جلوگیری از حسابرسی حضرت امیر (ع) نسبت به دست درازی های گسترده ای که سابقاً به بیت المال داشته بودند ، رو به ارتکاب جرایم یقه سفیدی با سوء استفاده از جایگاه خویش آوردند و حکومت حضرت علی (ع) را دچار بحران های جدی نمودند. قبل از به خلافت رسیدن امیرمؤمنان (ع) ، به تبع ارتکاب بسیاری از جرایم یقه سفیدی توسط منصوبین خلفای پیشین ، عدالت و مساوات ، جای خود را به تبعیض و نابرابری و شایسته سالاری و دین مداری جای خود را به رابطه و ریاکاری داده بود و حکومت دینی آن چنان در اذهان عموم مردم ، جلوه ای نازیبا پیدا کرده بود که اصلاح باور مردمان فقط به ید باکفایت مولای متقیان امکان پذیر بود. مردم در زمان خلفای قبل از حضرت علی (ع) ، در موارد بسیار زیادی شاهد

کسر هزینه های هنگفت از بیت المال مسلمین برای پرداخت دستمزد های زیاد و بی ضابطه به برخی از صحابه ، خاندان خلفا و اطرافیان آنان بودند و روز به روز اعتماد خود را نسبت به الگوی اسلامی در حکمرانی جامعه از دست می دادند. (سرکشیکیان، ۱۳۸۸)

بارز ترین جرایم یقه سفیدی که در زمان خلافت حضرت امیر (ع) شیوع گسترده ای یافته بود ، عبارت بود است از دست درازی صاحب منصبان دولتی به بیت المال ، دریافت رشوه توسط کارگزاران حکومتی ، انتصابات ناشایسته و مبتنی بر روابط خویشاوندی و تقسیم ناعادلانه بیت المال میان مسلمین. (سرکشیکیان، ۱۳۸۸) در زمان سایر ائمه معصومین (ع) نیز ، شاهد جرایم یقه سفیدی متعددی می باشیم که آن بزرگواران در سیره خود به بیان راهنمایی ها و تدابیری در زمینه مقابله و جلوگیری از این قبیل بزهکاری ها پرداخته اند ؛ لکن ، تفاوت موقعیت حضرت علی (ع) نسبت به دیگر ائمه بزرگوار در این است که ایشان بعد از یک دوره فترت در جانشینی حقیقی پیامبر اسلام (ص) ، زمام حکومت اسلامی را در حالیکه جرایم یقه سفیدی دامنگیر سلامت حکومت شده بود ، تحویل گرفتند و با داشتن قدرت و موقعیت سیاسی به سبب ریاست بر حکومت اسلامی ، این امکان و اختیار را داشتند تا با بهره گیری از قوای حکومتی ، به مقابله با جرایم یقه سفیدی برخیزند و از ارتکاب این قبیل جرایم ، پیشگیری به عمل آورند . اقدامات انجام شده از جانب معصومین (ع) در زمینه پیشگیری از وقوع جرایم یقه سفیدی ، حول دو محور رویکرد اصلاحی و رویکرد تنبیهی ، قابل جستجو و تحلیل می باشد.

گفتار اول. رویکرد اصلاحی

رویکرد اصلاحی در پیشگیری از وقوع جرایم یقه سفیدی ، به عنوان مجموعه ای از تدابیر پیشگیرانه ، قابل بررسی است. تدابیر رویکرد اصلاحی ، مجموعه ای از الزامات قانونی با ضمانت اجرای رسمی هستند که می توانند با اصلاح زمینه های فساد و کاهش ناکارآمدی های موجود در میان طبقات مرقره و دستگاه های حکومتی ، از جرایم یقه سفیدی ، پیشگیری به عمل آورند. مهم ترین مصادیق تدابیر رویکرد اصلاحی عبارتند از:

بند اول. تصفیه حکومت از عناصر فاسد

بدون شک، مهم ترین شرط برای هر گونه تحوّل و اصلاح یک جامعه از کجروی ها و پیشگیری از وقوع جرایم یقینه سفیدی ، به کارگماشتن کارگزاران لایق و مسئولان مدبّر و خردمندی می باشد که دارای تخصص و تعهد در انجام وظایف محوله هستند. قرآن کریم در آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره می فرماید: «حاکمان فاسد» آن هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می کنند، و زراعت ها و چهارپایان را نابود می سازند؛ (با اینکه می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد». این آیه شریفه دارای توجه و تأکید در زمینه تلاش برای تصفیه حکومت از عناصر فاسد می باشد و بیان می دارد آن هنگام که حاکمان مفسد و نفاق پیشه به مرتبه ای از حکومت و سلطه در جامعه برسند، دست به فساد و خرابی زده و ظلم و ستم را در میان بندگان خدا به راه می اندازند و به خاطر ظلم و ستم آنها، آبادی ها رو به ویرانی می گذارد، دام ها هلاک می شوند، و جان و مال مردم بر باد می رود. (طباطبایی، ۱۳۶۳)

حضرت علی (ع) ، بعد از آنکه به خلافت رسیدند ، اولین اقدامی که در جهت پیشگیری از وقوع جرایم یقه سفیدی انجام دادند، عزل استانداران و سایر کارگزاران نالایق و غیر صالح زمان خلیفه سوم بود. این افراد بدون توجه به ویژگی های اخلاقی و توانایی های مدیریتی ، صرفاً بر اساس رابطه بازی به سمت های مختلفی دست یافته بودند و با انحرافات اخلاقی و خطاهای مدیریتی فراوان ، موجب از بین رفتن جلوه و کارآمدی حکومت اسلامی در اذهان عموم مردم جامعه شده بودند. یکی از مشهور ترین این عزل ها که توسط امام علی (ع) انجام شد ، عزل معاویه بن ابی سفیان از استانداری شام بود. در روایتی آمده است که مغیره ، به نزد حضرت علی (ع) آمد و از آن حضرت درخواست نمود تا کارگزاران و استانداران زمان خلیفه سوم را ابقا نمایند و در صدد عزل آن ها نباشند یا اگر در این مورد دارای تصمیم جدی و قطعی دارند ، حداقل از عزل معاویه صرف نظر نمایند. علاوه بر مغیره ، بسیاری از اطرافیان امام علی (ع) بعضاً بدون هرگونه سوء نیت و به زعم خویش از سر خیرخواهی به

ایشان می گفتند که عزل معاویه را به تأخیر بیاندازند و در ابتدای زمان خلافت خویش ، مبادرت به این امر نکنند. امام علی (ع) در برابر هیچ یک از این سخنانی که برخلاف سیره ی عملی ایشان بود ، از مواضع خویش عقب نشینی نکردند و برای پیشگیری از جرایم یقه سفیدی در جامعه و اصلاح امور با تصیفه حکومت از عناصر فاسد ، در نخستین روزهای خلافت خویش ، با نامه ای تاریخی که به معاویه بن ابی سفیان نوشتند ، او را از استانداری شامات برکنار نمودند و دستور دادند تا او در اسرع وقت ، زمام امور را به سهل بن حنیف واگذار نماید و خودش نیز به مدینه بازگردد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰)

بند دوم. دقت در گزینش و انتصاب کارگزاران حکومت

اگر اشخاص فاقد صلاحیت لازم ، وارد دستگاه های حکومتی شوند؛ با سوء استفاده از مقام و موقعیت خویش ، مرتکب بسیاری از جرایم یقه سفیدی در جامعه می شوند. اگر هیچ ضابطه دقیق و مشخصی در زمینه گزینش و انتصاب کارگزاران حکومتی وجود نداشته باشد ، بستر ارتکاب جرم برای مجرمان یقه سفید ، فراهم خواهد شد و جامعه متحمل هزینه های سنگین مقابله با این قبیل بزهکاری ها می شود. امام علی (ع) در زمان حکومت خویش بر جامعه اسلامی ، به گزینش افراد و مسئولان حکومتی ، تأکید فراوان داشتند و در سیره حکومتی ایشان ، مشاهده می شود که آن حضرت تلاش می کردند تا افراد ناصالح نتوانند با استفاده از عنصر خویشاوندی یا برتری نژادی، در حکومت اسلامی نفوذ کنند و از این روش به مطامع و منافع شخصی خود برسند. به عنوان مثال، در تاریخ آده است که دو نفر از نزدیکان حضرت علی (ع) به نام های عباس بن عبدالمطلب و ربیعہ بن حارث، فرزندان خود را به نام های فضل بن عباس و عبدالله بن ربیعہ، نزد آن حضرت فرستادند تا از ایشان بخواهند که آن دو را به عنوان کارگزار حکومتی در زمینه امور صدقات و مالیات منصوب نمایند. حضرت علی (ع) در مقابل خواسته این دو نفر، ردای خویش را بر زمین انداختند و بر روی آن دراز کشیده و فرمودند: «به خدا قسم که همواره در این حالت می مانم تا شما دو نفر را ناامید به سوی پدرانتان بازگردانم.» (حسینی ، ۱۳۸۲) باید گفت در میان کلیه نامه ها ، توصیه ها و خطبه ها ، نامه ۵۳ نهج البلاغه که خطاب به مالک اشتر نخعی می باشد از جهت بیان اصول زمامداری و تبیین مهم ترین تدابیر پیشگیری از وقوع جرایم یقه سفیدی، دارای اهمیت ویژه ای است. امام علی (ع) در برخی از قسمت های این نامه در زمینه نحوه انتصاب کارگزاران حکومتی می فرمایند: «ای مالک کارگزاران حکومتی خود را ابتدا مورد آزمایش قرار بده و سپس آن ها را به کار بگمار.» همچنین توصیه می کنند: «در مورد نحوه انتخاب آنان (یعنی کارگزاران حکومتی) با دیگران مشورت کن.» ایضاً آن حضرت در مورد شرایط مسئولان حکومتی این گونه می فرمایند: «کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا از خاندان های پاکیزه و با تقوا که در مسلمانی دارای پیشینه ای درخشان هستند انتخاب کن؛ از این بابت که اخلاق آن ها گرامی تر و آبروی ایشان نیز محفوظ تر و طمع و آزمندی شان کمتر و آینده نگری آن افراد بیشتر است.» همچنین ، در نامه ی ۵۳ نهج البلاغه حضرت علی (ع) در مورد خطر بی توجهی به گزینش کارگزاران حکومتی و انتصاب افراد نالایق و خیانتکاری که دارای زیرکی و هوش بالایی هستند ، می فرمایند: «پس در انتخاب آنان هرگز به فراست، خوش بینی و خوش گمانی تکیه مکن؛ چراکه افراد زرنگ، راه جلب نظر و خوش بینی زمامداران را با ظاهرسازی و خوش خدمتی خوب می دانند در حالی که در پشت این ظاهر جالب هیچ گونه امانتداری و خیرخواهی وجود ندارد.» (شریف الرضی، ۱۳۷۸) در این توصیه ی گهربار ، امام علی (ع) بر مؤلفه هایی مانند زیرکی، ظاهرسازی و در کنار آن، خطر حسن ظن ناروا و ایجاد فرصت برای این گونه افراد زیرک و خیانتکار تأکید دارند؛ زیرا در حقیقت امر، ارتکاب جرایم یقه سفیدی در بیشتر موارد در نتیجه وجود فرصت طلبی های مجرمانه ای می باشد که از عوامل مختلفی نظیر درجه بالای هوش و صلاحیت حرفه ای و شغلی مرتکبان و همچنین میزان اعتماد افراد به آنان نشأت می گیرد.

بند سوم. بهره گیری از نظارت و کنترل

با وجود تأکید های زیادی که در سیره معصومین (ع) در زمینه عیب پوشی وجود دارد، هنگامی که موضوع منافع عمومی در میان باشد، آن بزرگواران توصیه به تجسس، نظارت و کنترل شدید کارگزاران حکومتی دارند. آن دسته از فقیهانی که به فقه سیاسی اسلام پرداخته اند، برای جواز یا وجوب تجسس در این موارد، به آیات و احادیث و به ویژه به سیره پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) استناد کرده اند. از آنجا که حفظ حکومت و نظام جامعه اسلامی در برابر تهدید های سیاسی و نظامی دشمنان از جمله مهمترین مصالح به شمار می رود، در جواز و ضرورت تجسس از نقشه ها و توانایی های کارگزاران داخلی و دشمنان بیگانه تردید نشده است. ادله ای مانند آیه ۱۲ سوره مبارکه حجرات (که از تجسس نهی کرده) ناظر به روابط مسلمانان با یکدیگر است و تجسس در امور غیرمسلمانانی که با مسلمانان رابطه خصمانه دارند (مشخصاً کفار حربی)، مشمول آن نیست. به علاوه، آیاتی مانند آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال، که مؤمنان را به تجهیز نظامی در برابر دشمنان خدا فرمان داده است، از جمله بهترین ادله وجوب تجسس در برخی از موارد خاص می باشد که همانا حفظ مصالح اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرایمی که کیان جامعه اسلامی را تهدید می کند در زمره ی این موارد است.

پیامبر اسلام (ص) در غزوة حنین، برای آگاهی یافتن از اقدامات فرماندهان در قسمت های مختلف لشکر اسلام، عبدالله بن ابی حردر اسلمی را به جاسوسی گماشتند و او را مأمور نمودند تا به صورت نامحسوس، در خصوص اقدامات کارگزاران آن حضرت در لشکر و اعمال و تصمیمات آن ها، ایشان را مطلع نماید تا چنانچه احدی قصد ضربه به لشکریان را با سوءاستفاده از موقعیت خویش داشت (مشخصاً یعنی اگر قصد ارتکاب جرایم یقه سفیدی داشت)، آن حضرت از وقوع آن پیشگیری کنند. (الکتانی، ۱۴۳۱) در حدیثی از امام رضا (ع) می خوانیم که پیامبر اکرم (ص) هنگامی که لشکری گسیل می داشت، همراه فرمانده آن لشکر، افراد مطمئنی می فرستاد تا در کارهای او تجسس کنند و آن حضرت را مطلع سازند. (حمیری، ۱۴۱۳)

امام علی (ع) در مورد قضاات و کارگزاران حکومتی پس از آن که توصیه های مهمی در زمینه تأمین نیازهای آنان می کنند، در خصوص نظارت و کنترل این افراد به مالک اشتر نخعی این چنین می فرمایند: «...سپس اعمال آنان را مورد بررسی قرار بده و مأموران مخفی که راستگو و وفادار می باشند را به سوی آن ها بفرست؛ چراکه پایبند بودن تو به بازرسی در امور سرتی ایشان، آنان را وادار می سازد که با توده مردم، با امانت و نرمی برخورد کنند» (شریف الرضی، ۱۳۷۸) همچنین آن حضرت در مقام آخرین توصیه های عمر گرانبار خویش در وصیت نامه شان خطاب به امام حسن مجتبی (ع) و امام حسین (ع) درباب نتایج سوء بی توجهی به مسئله نظارت و کنترل انحرافات کارگزاران حکومتی می فرمایند: «هر زمان که نظارت بر رفتارها را رها کنید، نتیجه آن تسلط پیدا کردن انسان های هنجارشکن، کجرو و منحرف بر جامعه اسلانی می باشد.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶)

بند چهارم. گزارش دهی مردمی

یکی از مهمترین عوامل کشف جرم، توجه به گزارش های مردم به حاکم جامعه اسلامی است. پیامبر (ص) اشخاصی را به عنوان «نقیب» و «عریف» واسطه میان دستگاه حاکم و مردم قرار داده بودند. به گزارش برخی منابع، پیامبر (ص)، دوازده نقیب از مردم مدینه برگزیده بودند تا ایشان را از امور مردم و گزارش های آن ها آگاه سازند. (حمیری، ۱۳۸۳) از آن حضرت نقل شده که می فرمایند: «نیاز کسی را که نمی تواند نیازش را به من برساند، به من برسانید». همچنین نقل شده است که ایشان از حال یاران و کارگزاران خود جويا می شدند و از مردم در باره امورشان و نحوه انجام وظایف محوله به آن ها، پرسش می کردند. (الکتانی، ۱۴۳۱)

در حکومت امام علی (ع) با وجود همه اقدامات انجام گرفته شده در زمینه نظارت بر کارگزاران و بهره گیری از جاسوسان زبده و مورد اعتماد، در مورد جرایم یقه سفیدی به مسئله گزارش های مردمی نیز به عنوان یکی از مهمترین تدابیر پیشگیرانه توجه ویژه ای شده است. در حکومت امام علی (ع) سه روش برای رسیدگی به شکایات و گزارش های مردمی در مورد نهادهای حکومتی وجود داشت:

۱. گزارش دهی مستقیم به امام که به وسیله افراد عادی و مورد اعتماد انجام می شد؛

۲. قضای مظالم: که اکثراً مربوط به مفسد و تخلفات اقتصادی کارگزاران حکومتی بود و منظور از ایجاد این نهاد، تحقیق و تفحص در خصوص گزارش ها و شکایات مردم از اعمال و اقدامات کارگزاران حکومتی، اعم از فرماندان نظامی، قضات محاکم، مسئولان جمع آوری خراج و مالیات و سایر کارگزاران اداری و حکومتی بود؛

۳. بیت القصاص: اگر مردمی بودند که به هر دلیل یا توجیهی قصد نداشتند تا به صورت شفاهی علیه کارگزاران حکومتی شکایتی طرح کنند، مطابق این نهاد می توانستند شکایت خود را بنویسند و در مکانی مشخص تحت عنوان «بیت القصاص» قرار بدهند تا امام علی (ع) از مفاد آن تظلمات آگاهی پیدا کنند. (سرکشیان، ۱۳۸۸)

بند پنجم. توجه به معیشت کارگزاران حکومت

در روایاتی که از معصومین (ع) به ما رسیده، آمده است که فقر، موجب نقصان در دین، کاهش عقل و تحریک خشم می باشد. فقر و تنگدستی، انسان های بسیار زیادی را در معرض لغزش و انحراف قرار می دهد و سختی و دشواری بسیار زیادی در زندگی آدمی به وجود می آورد. در این باره امام جعفر صادق (ع) می فرمایند: «حضرت لقمان به فرزندش سفارش کرد: «ای فرزند! تمام مرارتها و تلخی های روزگار را تحمل می کنم ولی مرارت و تلخی فقر را نمی توانم تحمل کنم.» (حرّعاملی، ۱۴۱۴)

توجه نمودن به وضعیت معیشتی کارگزاران و مسئولان حکومت اسلامی، می تواند احتمال ارتکاب جرایم یقه سفیدی توسط این افراد را کاهش بدهد و منشأ خیر و برکات بسیار زیادی در اداره جامعه اسلامی بشود. امام علی (ع) پیش از توجه به مسئله نظارت و کنترل کارگزاران، به موضوع تأمین مالی و رفاهی مسئولان جامعه، توجه ویژه ای داشتند. آن حضرت همواره در صدد آن بودند تا نیازها و حوائج معمول در زندگی مسئولان و کارگزاران حکومتی را برطرف سازند و از این طریق جلوی دست درازی به بیت المال مسلمین و ارتکاب جرایم یقه سفیدی را بگیرند. یکی از مهم ترین کارگزاران حکومتی که نقش پررنگی در اصلاح امور و مقابله با جرایم در جامعه دارند، قضات می باشند. باید گفت برای موفقیت در مسیر پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با مجرمین، باید نسبت به وضعیت معیشت قضات توجه ویژه ای وجود داشته باشد. در میان احادیث و روایاتی که در زمینه شغل قضاوت به دست ما رسیده است، حضرت علی (ع) سخنان پرشماری در زمینه توجه به وضعیت معیشت قضات را به خود اختصاص داده اند. امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می فرمایند: «ای مالک! با جدیت هر چه بیشتر قضاوت های قاضی خودت را بررسی کن و در بذل و بخشش به او سفره سخاوت را بگستران، آن چنان که نیازمندی اش از بین برود و حاجت و نیازی به مردم پیدا نکنند.» (شریف الرضی، ۱۳۷۸) همچنین از آن حضرت مروی است: «هر حکومتی نیاز به قاضی دارد و قاضی نیاز به معیشت و رزق دارد و این رزق را باید بیت المال تأمین کند، نه مردم.» (نوری، ۱۴۰۹) فقهای شیعه، بحث دقیق و مبسوطی در خصوص ارتزاق و دریافت حقوق قضات از بیت المال دارند و اکثراً با آن موافق می باشند، ولی در مورد دریافت حقوق در مقابل کار یا جعاله از طرفین دعوا، غالباً رأی به عدم جواز می دهند. ماهیت ارتزاق نمودن قضات از بیت المال مطابق فرمایش حضرت علی (ع)، اعطای آن میزان است که نیازهای ایشان برطرف شود و زندگی آن ها اداره گردد، تا آن ها هیچ گاه محتاج رشوه، جعاله و حقوق اعطایی از جانب دیگران نباشند. باید گفت که این رویه، یک رویکرد کاملاً عقلایی و مبتنی بر تجارب کسب شده در بسیاری از کشور های دنیا در زمینه ایجاد سلامت در دستگاه قضایی می باشد. (قوامی، ۱۳۷۹)

بند ششم. ارشاد و تحذیر

حشر و نشر و معاشرت با افراد ثروتمند فاسد و یا رفاه طلب، ممکن است شخص پاک را به زراندوزی و جمع آوری مال و ثروت از راه نامشروع و سوسه نماید و از یک انسان سالم، یک مجرم یقه سفید بسازد. یکی از مهم ترین سوره های قرآن کریم که در مذمت مسابقه افراد برای ثروت اندوزی و کسب مقامات بالا است، سوره «تکاور» می باشد. این سوره را به این جهت تکاثر می نامند که اولین کلمه ای که در نخستین آیه این سوره آمده است، تکاثر می باشد و در معنای چشم و هم چشمی و مسابقه دادن با یکدیگر در کسب زیاد مال و جایگاه اجتماعی است و این اقدام، مورد مذمت خداوند متعال قرار گرفته است. در این سوره

می خوانیم: «تفاخر به بیشترداشتن شما را غافل داشت، تا کارتان {و پایتان} به گورستان رسید...» توجه به موضوع تحذیر و هشدار در زمینه ثروت اندوزی و احتمال ارتکاب جرایم یقه سفیدی، در سیره امام علی (ع) قابل مشاهده است. آن حضرت با ارشاد نمودن و تحذیر کردن برخی از کارگزاران و مسئولان حکومتی خویش، آن ها را از معاشرت با ثروتمندان و یا رفاه طلبی برحذر می داشتند. به عنوان نمونه، حضرت امیر(ع) در نامه ۴۵ نهج البلاغه، عثمان بن حنیف، استاندار بصره را که به مهمانی یکی از ثروتمندان آن شهر رفته بود، خطاب قرار می دهند و او را از انجام این قبیل اقدامات برحذر می دارند و تبعات سوء احتمالی آن را به او گوشزد می نمایند. (شریف الرضی، ۱۳۷۸) همچنین، آن حضرت در جای دیگر، از خرید خانه هشتاد دیناری توسط قاضی مشهور شهر کوفه (قاضی شریح) انتقاد می کنند و او را از برحذر می دارند که مبدا این خانه را از راه غیرحلال تهیه کرده باشد و برای به دست آوردن آن، مرتکب جرایم یقه سفیدی شده باشد. آن حضرت هنگامی که خانه مجلل و بزرگ یکی از کارگزاران خود را مشاهده کرد، این چنین فرمود: «سکه های طلا و نقره سربر آوردند و خود را آشکار ساختند. همانا این ساختمان مجلل و با شکوه، توانگری تو را می رساند.» (طاهری و حیدری های، ۱۳۸۰)

گفتار دوم. رویکرد تنبیهی

رویکرد تنبیهی در پیشگیری از وقوع جرایم یقه سفیدی، ناظر به بعد از وقوع جرم می باشد و به اثر بازدارندگی مجازات ها و جلوگیری از تکرار جرم برمی گردد. برخی از مهم ترین اقدامات انجام شده در رویکرد تنبیهی پیشگیری از جرایم یقه سفیدی، به شرح زیر می باشد:

بند اول. مساوات در اجرای مجازات

یکی از اصول مهم دین مبین اسلام، اصل تساوی انسان ها و عدم برتری احدی از افراد بر دیگری می باشد. مطابق با این اصل که از کرامت ذاتی هر شخص سرچشمه می گیرد، هیچ فردی بالاتر و یا پایین تر از دیگران آفریده نشده است؛ از همین رو هیچ کس نمی تواند بدون دلیل و علت بر دیگری برتری و رجحان داشته باشد. اصل تساوی انسان ها، اصول دیگری را به همراه دارد که یکی از آنها اصل مساوات در اجرای مجازات ها می باشد. برابر با این آموزه، همه ی افراد جامعه در برابر دریافت کیفر و عقوبت اعمال ارتکابی شان، با یکدیگر برابرند و هیچ امتیازی برای طبقه حاکم و کارگزاران حکومتی و بستگان آن ها وجود ندارد؛ همانگونه که هیچ مصونیتی در برابر قوانین برای آن ها در سیره قضایی معصومین (ع) وجود ندارد. قرآن کریم درباره برابری و تساوی همه انسان ها در آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات می فرماید: «ای مردم ما شما را از مرد و زن آفریدیم و ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل نمایید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است.»

پیامبر اسلام (ص) هرگونه تبعیض و نابرابری ناشی از تفاوت رنگ ها، زبان ها و جایگاه افراد در جامعه را نفی می کنند و می فرمایند: «هیچ برتری، عرب بر غیر عرب ندارد و نه غیر عرب بر عرب، نه سفید پوست بر سیاه پوست و نه سیاه پوست بر سفید پوست، مگر از طریق تقوی.» (کراجکی، ۱۳۹۰) پیامبر اسلام (ص) با هدف ایجاد روح مساوات و برابری در میان مردمانی که غرق در امتیاز طلبی های قبیله ای و نژادی و فخرفروشی های دوران جاهلیت بودند، به اقدامات اساسی مبادرت ورزیدند. آن حضرت اصرار بر اصل برابری در اجرای قانون و مجازات ها داشتند و هرگونه میانجیگری برای تعلیق اجرای مجازات کیفری را نفی می نمودند و حتی درباره مجازات سرقت زنی از اشراف قریش و کیفر دزدی کنیز همسرشان، ام سلمه، نیز با تساوی و برابری هرچه تمام تر برخورد نمودند و هیچ گاه از سبیل تساوی و برابری خارج نشدند. (البخاری الجعفی، ۱۴۲۲) همچنین، در جایی آمده است که امام علی (ع) خطاب به خلیفه دوم، عمر بن خطاب، می فرمایند: «سه مورد است که اگر به آن عمل بنمایی، تو را کفایت می کند و اگر آن ها ترک نمایی، هیچ چیز تو را کفایت نخواهد کرد: اقامه حدود بر قریب و بعید، قضاوت بر اساس کتاب خدا در حال رضا و سخط و تقسیم عادلانه بین قرمز و سیاه.» در این توصیه امام (ع) تأکید بر اجرای مجازات ها را در حق افراد آشنا و غریبه، دور و نزدیک و همچنین از نژاد های مختلف، به نحو مساوی و برابر و مطابق با

آموزه های دین مبین اسلام می کنند و خلیفه دوم را از هرگونه تبعیض در اجرای مجازات ها به سبب گوناگونی نژادی افراد و یا نسبت فامیلی آن ها با حاکم و کارگزاران جامعه اسلامی ، باز می دارند. (موزن زادگان، ۱۳۷۹) حضرت علی (ع) در جایی دیگر ، به یکی از والیان خود توصیه می نمایند تا به محض مشاهده تخلفات مالی بستگان و اطرافیان خویش، بدون هرگونه رعایت تشریفات خاص به جرایم آنان رسیدگی کنند و آن ها را به عقاب اعمال شان برسانند. (سرکشیان، ۱۳۸۸)

نتیجتاً برابری انسان ها در دین اسلام ، در برگیرنده همه جنبه ها، اعم از برابری در حقوق اساسی از جهت تساوی در برابر قانون، تساوی در برابر قاضی و تساوی در حقوق و تکالیف می شود و در مقام اجرای مجازات ها و کیفر های قانونی ، هیچ رجحان و برتری وجود نداشته و همگان به صورت مساوی و برابر ، باید مورد بازخواست دستگاه قضایی قرار گرفته و متحمل عقوبت جرایم خویش بشوند.

بند دوم. شدت در اجرای مجازات

بنابر عقیده برخی از مکاتب حقوق جزا، زمانی مجازات ها واجد وصف بازدارندگی خواهند بود که دارای شدت باشند. بازدارندگی از منظر علم جرم شناسی عبارت است از: « ترس و هراس برآمده از مجازات که سبب می گردد، مجرم بالفعلی که تحت مجازات واقع می شود و مجرمان بالقوه ای که شاهد اجرای آن نسبت به مرتکب هستند، از جرم دوری گزینند؛ چرا که با سنجش خردمندانه موقعیت و حساب هزینه-فایده ، نتایج نامطلوب و گران بهای حاصل از ارتکاب جرم را نسبت به ثمرات مطلوب آن بیشتر می بینند و از این رو از ارتکاب یا تکرار جرم ، صرف نظر می نمایند.» (دادبان و آقای، ۱۳۸۸) بازدارندگی و پیشگیری از وقوع جرم ، همواره یکی از اهداف مهم مجازات ها در حقوق کیفری بوده است. رویکرد سزادهی ذر حقوق جزا ، درصدد آن است تا با ایجاد یک آینده روشن از طریق تهدید و ارباب به بهره گیری از مجازات کیفری ، انگیزه های ارتکاب یا تکرار جرم را در جامعه بخشکاند و زمینه پیشگیری از وقوع جرایم را به وجود آورد. (دادبان و آقای، ۱۳۸۸)

«جرمی بنتام»^۱ جرم شناس انگلیسی و طرفدار مکتب اصالت فایده ، قائل به این است که اجرای مجازات و کیفردهی ، صرفاً برای جزا دادن نسبت به جرمی که ارتکاب یافته است نمی باشد ؛ بلکه غایت و هدف اصلی آن است که از این به بعد ، جرم دیگری ارتکاب پیدا نکند. همچنین بنتام بر این عقیده است که فرد مجرم ، با احتساب ثمره ی عمل مجرمانه خود و سود به دست آمده از آن و بدون توجه نسبت به مجازاتی که در انتظار اوست ، دامن خویش را به ارتکاب جرم آلوده می سازد ؛ در نتیجه ، اگر مجازات ها به صورتی مقرر و اجرا بشوند که هرفردی سود و فایده خویش را در جهت دوری گزیدن و امتناع از ارتکاب جرم ببیند و از سرانجام ناگوار عمل مجرمانه خویش واهمه پیدا کند ، از وقوع و تکرار جرم در جامعه پیشگیری به عمل خواهد آمد. جرمی بنتام در حالی که عقیده بر شدت و سختی در اعمال کیفر و مجازات در حق بزهکاران دارد ، به این مسئله نیز قائل می باشد که هیچ گاه ، هیچ مجازاتی نباید به صورت سنجیده نشده و غیر معقولانه به مرحله اجرا برسد ؛ بلکه برای عبرت آموزی مجازات ها ، لازم است تا شدت، مدت، حتمیت و سایر جهات کیفیات متناسب آن که سودمندی و ضرورت آن را تضمین می نماید مراعات شود تا به خوبی از ارتکاب جرایم ، پیشگیری کیفری به عمل آید. (اردبیلی، ۱۳۸۶)

رویکرد جرم شناسانه دین مبین اسلام در بعضی موارد به صورت سخت گیرانه و شدید در صدد اجرای مجازات ها است تا از وقوع جرایم در جامعه اسلامی ، پیشگیری مطلوبی به عمل آید. این مسئله در واقع نشانگر اهتمام دین اسلام به مسئله شدت مجازات ها و تأثیر آن ها در زمینه بازدارندگی از بزهکاری در جامعه است. در نتیجه باید گفت که نخستین اندیشه های موافق شدت مجازات برای پیشگیری از وقوع جرم ، تا حدی در دین اسلام پذیرفته و برای نخستین بار مطرح شده است و مواردی از آن نیز در سیره عملی ائمه معصومین (ع) ، قابل مشاهده می باشد. مراد از شدت اجرای مجازات ها در دین اسلام آن

¹ Retribution

² Jeremy Bentham

است که در صورت بزهکاری و ایجاد فساد، حکومت اسلامی این اختیار و حق را دارد تا با مرتکبین آنها با شدت و سختی، برخورد و مقابله نماید و آن ها را به کیفر اعمال مجرمانه شان برساند تا این شدت، مایه عبرت دیگران باشد و جامعه از شیوع بزهکاری در امان بماند. امام علی (ع) در عهدنامه مشهور مالک اشتر به او فرمان می دهند با کارگزاران خائن، برخورد جدی و شدیدی صورت بگیرد و صرفاً به عزل آن ها بسنده نشود. بخشی از فرمایش آن حضرت این چنین است: «از همکاران نزدیک خودت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کردند، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه را که از اموال در اختیار دارد از او باز پس بگیر، سپس او را خوار دار و خیانت کار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیفکن.» (شریف الرضی، ۱۳۷۸) حضرت علی (ع) در مقابل اشخاص جاسوسی که بر ضد مسلمانان و به نفع دشمن فعالیت می کردند با شدت برخورد می نمودند و حتی روایت شده است که در یک مورد دستور دادند که دست یکی از جاسوسان بریده شود و آن شخص جاسوس به خاطر همین قطع شدن دست، کشته شد. (حسینی، ۱۳۸۲)

بند سوم. قاطعیت در اجرای مجازات

منظور از قاطعیت داشتن در اجرای مجازات آن است که هرفردی که قصد ارتکاب جرم یا تکرار جرم دارد، تا چه میزانی احتمال می دهد که دستگاه عدالت کیفری، او را مورد بازخواست قرار داده و به کیفر اعمالش برساند. قاطعیت بالا در اجرای مجازات ها، مجرمین را از ارتکاب جرم به دور نگه می دارد. به دور نگه می دارد و باعث پیشگیری کیفری از وقوع جرم می گردد. (Meier, 1978)

عدالت به عنوان یکی از آرمان های زندگی بشری در آموزه های دین اسلام و سیره معصومین (ع) دارای نقش پررنگی می باشد. یکی از پرچله ترین مصادیق تلاش برای برقراری عدالت، قطعاً سیره امیرالمؤمنین، علی (ع) است. ایشان در حکمت ۴۳۷ نهج البلاغه، عدالت را این گونه معنا می کنند: «عدالت هر چیزی را در جای خود می نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می سازد.» (شریف الرضی، ۱۳۷۸) با نگاهی به زندگانی و حکومت حضرت علی (ع) در می یابیم که آن حضرت با اجرای قاطعانه مجازات به عنوان یکی از مهمترین جلوه های اجرای عدالت، توانسته اند از ارتکاب جرایم یقه سفیدی در جامعه پیشگیری به عمل آورند. آن حضرت در ادامه ی تعریف مفهوم عدالت، به سر و سامان رسیدن امور حکومت و لازمه ی بقا و دوام آن را در گرو اجرای هرچه بهتر و فراگیر تر عدالت می دانند و می فرمایند: «هیچ دژی به اندازه اجرای عدالت از حاکمیت پاسداری نمی کند و از سقوط و تهاجم محفوظ نمی دارد.» پیامبر اسلام (ص) در عمر گران قیمت خویش، آن زمانی که در ردای حاکم جامعه اسلامی ظاهر شدند، همواره توصیه به مراعات عدالت و قاطعیت در اجرای مجازات ها و پیشگیری از وقوع جرم در جامعه اسلامی داشتند. از آن حضرت روایت شده است که در باب ارزش و مقام برقراری عدالت در جامعه می فرمایند: «یک ساعت عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است که شبش به عبادت و روزش به روزی بگذرد و یک ساعت بی عدالتی در حکومت (داوری) نزد خدا سخت تر و سنگین تر از شصت سال گناه است.» (مجلسی، ۱۴۰۳)

مصادیق برخورد قاطعانه حضرت علی (ع) با آن گروه از مجرمین یقه سفید عصر ایشان که نسبت به بیت المال خیانت کرده بودند، بسیار است. در اکثر موارد، حضرت علی (ع) ضمن استرداد بیت المال، در اجرای مجازات فرد بزهکار، قاطعیت زیادی از خود نشان می دادند و این امر موجب پیشگیری از وقوع و تکرار جرایم یقه سفیدی در جامعه می شد. امام علی (ع) در خصوص بیت المال تاراج شده در خطبه ی ۱۵ نهج البلاغه می فرماید: «به خداوند قسم که بیت المال تاراج شده را هر کجا یافت نمایم به صاحبان اصلی آن باز می گردانم، گرچه کسی که بیت المال را تاراج کرده با آن ازدواج کرده باشد یا کنیزانی خریده باشد؛ چرا که در اجرای عدالت گشایش برای عموم مردم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل نمودن ظلم و ستم برایش سخت تر است.»

بند چهارم. اجرای علنی مجازات

بدون تردید ، اجرای علنی مجازات مجرمان یقه سفید و مفسدان اقتصادی و اطلاع رسانی عمومی آن ، جنبه بازدارندگی بالایی دارد و می تواند در زمینه پیشگیری از وقوع جرم ، مؤثر باشد. جرم شناسان و محققان حقوق کیفری ، در زمینه تأثیر علنی بودن مجازات ها در پیشگیری از وقوع جرم ، دارای نظرات مثبت و موافقی می باشند. اگر اجرای مجازات ها به صورت علنی باشد و عموم مردم ، به کیفر رسیدن فرد متهم را نظاره نمایند ، ضمن وجود جنبه ارعابی برای عموم جامعه، هویت مجرم نیز برای افراد جامعه آشکار می شود و با از بین رفتن اعتبار این افراد و عدم اعتماد دوباره مردم به آن ها ، فرصت ارتکاب جرم مجدد از مجرمان سلب خواهد شد. (Simon, 2000)

هنگامی که خبر شهادت امام علی (ع) و بیعت مردم با امام حسن مجتبی (ع) به عنوان حاکم جامعه اسلامی به گوش معاویه رسید ، معاویه مردی حمیری را برای جاسوسی به کوفه و شخصی از بنی قین را به بصره فرستاد تا او را از اخبار مطلع گردانند و شرایط و اوضاع اجتماعی را بر علیه امام حسن (ع) آشفته و نابسامان سازند. امام حسن (ع) پی به مساله بردند و دستور دادند تا حمیری را که پیش قصابی در کوفه مخفی شده بود ، از مخفی گاه بیرون بکشند و در ملأعام برای عبرت گیری دیگران ، گردن بزنند. همچنین در نامه ای به حاکم بصره دستور دادند جاسوسی را که میان بنی سلیم مخفی شده است ، بیرون بیاورید و او را علنی گردن بزنید. (العکبری، ۱۴۱۳) امام حسن مجتبی (ع) با از بین بردن جاسوسانی که از میان خاندان های متنوّذ و عالی رتبه جامعه اسلامی بودند ، با فتنه افروزی های معاویه مقابله کردند و از وقوع جرایم یقه سفیدی در جامعه پیشگیری به عمل آوردند.

یکی از نمونه های تاریخی در زمینه برخورد حضرت علی (ع) با مجرمین یقه سفید و مفسدین اقتصادی که ضمن برخورداری از جنبه ی اجرای قاطعانه مجازات ، واجد وصف شدت و علنیّت نیز می باشد ، مفاد نامه ای است که حضرت امیر (ع) خطاب به «رفاعه» ، حاکم اهواز ، می نویسند و در مورد نحوه محاکمه و مجازات «ابن هرمه» که به عنوان یک مجرم یقه سفید ، با اعمال مجرمانه خویش موجب اخلال و آشوب در امور اقتصادی جامعه مسلمین شده بود ، راهکار ها و تدابیری را بیان می نمایند. در این نامه آمده است: «ای رفاعه! بر اساس مستندات و شواهد ، من یقین دارم که ابن هرمه در امور اقتصادی بازار مسلمین در اهواز خیانت کرده است. هنگامی که این نامه به دست تو می رسد، او را از امور اقتصادی بازار عزل بنما و دستگیر کرده و به زندان بیفکن و سپس این امر را به مردم اعلام کن. در این کار هرگونه تسامح و کوتاهی و ملاحظه گری را کنار بگذار و به ماموران بگو رأی مرا این گونه بر مردم اعلام نمایند: ابن هرمه که مسئول بازار اهواز بوده به دلیل اخلال در نظام اقتصادی بازار مسلمین از طرف امیر المومنین علی محکوم گردیده است به: ۳۵ ضربه شلاق در مقابل انظار عمومی در روز جمعه ؛ گرداندن در بازار و معرفی نمودن به نام مفسد اقتصادی؛ مصادره نمودن اموال و بر گرداندن آنها به صاحبان اصلی شان؛ ابن هرمه در زندان می ماند و با او به سختی رفتار می شود؛ پای او را در زندان ببند تا نتواند راه برود و صرفاً در اوقات نماز های یومیه ، پای او را باز کن؛ اجازه نده تا کسی با او ملاقات کند و برایش غذا ، لباس ، نوشیدنی و فرش ببرد؛ هر کس به ابن هرمه راه فراری یاد داد او را نیز در بند کن تا توبه نماید؛ ابن هرمه حق ندارد که وکیل داشته باشد؛ ابن هرمه تا آن هنگام که خطر مرگ او را تهدید نکند ، حق ندارد تا در حیاط زندان ، هواخوری داشته باشد. بعد از سپری شدن یک ماه اگر دیدی طاقت دارد، ۳۵ ضربه شلاق دیگر به او بزن. در انتها نیز نتیجه اقدامات را برای من بنویس و چگونگی اجرای حکم و همچنین نحوه اداره بازار مسلمین اهواز را در آن برایم شرح بده.» (نوری، ۱۴۰۹)

همان گونه که مطرح گردید ، حضرت امیر (ع) نسبت به کارگزار متخلف خویش ، ضمن ایجاد محدودیت های جدی حتی در زندان ، به افشاگری جرم ارتكابی از جانب او و علنی گردیدن بزهکاری وی جهت تنبیه و پیشگیری کیفری از وقوع جرایم یقه سفیدی ، تأکید و توجه ویژه ای داشته اند. از منظر آن حضرت و سایر ائمه معصومین ، هنگامی که مسئولان عالی رتبه و صاحب منصبان حکومتی به حقوق مردم تجاوز و دست درازی می نمایند ، صرفاً یک جرم عادی و معمولی را مرتکب نمی شوند؛

بلکه عمل مجرمانه آن ها دارای وسعت و دامنه اثرگذاری زیادی می باشد و از این جهت ، باید در مجازات آن ها به گونه ای تصمیم گیری و اقدام شود که سایر صاحب منصبان حکومتی و کارگزاران دولتی ، با دیدن شیوه برخورد و مجازات علنی و قاطعانه، به هیچ وجه قصد و انگیزه سوء استفاده از مقام خویش و ارتکاب جرایمی نظیر ارتشاء ، خیانت در امانت ، اختلاس ، کلاهبرداری و... را نداشته باشند. حضرت امیر(ع) در سیره قضایی و حکومت داری خویش ، نه تنها هیچ گاه در صدد کتمان حقایق و مخفی نگاهداشتن جرایم ارتكابی توسط مسئولان حکومت نبودند ، بلکه قائل بودند اگر جرم ارتكابی یک فرد مسئول ، جنبه علنی به خورد بگیرد و مجازات فرد در انظار عمومی و به صورت قاطعانه اجرا شود ، نه تنها آب به آسیاب دشمن ریخته نمی شود و موجب تضعیف پایه های حکومت اسلامی نمی باشد ؛ بلکه دوام و قوام حکومت و جامعه در گرو اجرای شدید و علنی مجازات مجرمین یقه سفید است و مردم با ملاحظه این برخورد ، پی به اهتمام حاکم جامعه اسلامی به امور حکومت و تلاش وی در راستای عدالت گستری می برند.

در نتیجه باید گفت که مساوات ، شدت ، قاطعیت و علنیت در اجرای مجازات ها ، از جمله مهم ترین مؤلفه هایی هستند که اگر به خوبی توسط دستگاه عدالت کیفری در مقابله با بزهکاران یقه سفید به کار گرفته شود ، پیشگیری از وقوع این قبیل جرایم و پاکسازی حکومت از عناصر فاسد و ناسالم ، محقق خواهد شد.

بحث و نتیجه گیری

پیشگیری نمودن از وقوع جرم، به عنوان یکی از مباحث مهم حقوق کیفری ، از جمله مقوله هایی می باشد که دارای قدمت بسیار زیادی بوده و اولین تلاش های انجام گرفته در این زمینه به زمان تشکیل نخستین دولت ها و حکومت ها باز می گردد. مطالعات راجع به موضوع پیشگیری از وقوع بزهکاری ، با توسعه پیدا کردن جوامع بشری و تأثیر پذیری از مکاتب مختلف حقوق کیفری ، رفته رفته توسعه و گسترش پیدا کرد. در ادبیات کیفری معاصر ، جرایم به اعتبار مرتکبین ، به جرایم یقه آبی و جرایم یقه سفیدی تقسیم می شوند. علی رغم نوظهور بودن اصطلاح «جرایم یقه سفیدی» در حقوق کیفری ، مصادیق این قبیل جرایم در طول تاریخ ، مسبوق به سابقه هستند و رویکرد های مختلفی در زمینه مقابله و پیشگیری از آن ها اتخاذ شده است. در سیره معصومین (ع) برای پیشگیری از جرایم یقه سفیدی ، اقدامات و تدابیر ارزشمندی قابل مطالعه و بهره برداری است. مهم ترین اقداماتی که معصومین (ع) در زمینه جلوگیری از وقوع جرایم یقه سفیدی انجام داده اند ، در بعد رویکرد اصلاحی عبارت است از : تصفیه حکومت از عناصر فاسد ، دقت در گزینش و انتصاب کارگزاران حکومت ، بهره گیری از نظارت و کنترل ، نظام گزارش دهی مردمی، توجه به معیشت کارگزاران حکومت و ارشاد و تحذیر. همچنین، در بعد رویکرد تنبیهی ، تدابیری نظیر : مساوات در اجرای مجازات ، شدت در اجرای مجازات ، قاطعیت در اجرای مجازات و اجرای علنی مجازات ، مورد توجه آن بزرگواران می باشد.

با نگاه به اندیشه ها و سیره معصومین (ع)، متوجه می شویم که سیاست های پیشگیرانه ایشان می تواند به عنوان یک الگوی جامع و تمام عیار برای نظام های حقوقی کنونی در زمینه پیشگیری از جرایم مختلف ، علی الخصوص جرایم یقه سفیدی، کارآمد باشد. با وجود آثار و فواید برشمرده شده در خصوص کارکردها و نتایج تدابیر پیشگیری از وقوع جرم در آموزه های اسلام و سیره معصومین (ع)، مشاهده می شود که به دلیل عدم شناخت کافی قانونگذاران و مجریان قانون، تدابیر پیشگیرانه معصومین (ع) به خوبی مورد الگوبرداری و استفاده قرار نگرفته است و از این بابت ، انتقادی جدی به دستگاه عدالت کیفری وارد می باشد. پیشنهاد می شود تا تحقیقات جامع و کاملی توسط نهاد های پژوهشی مرتبط با پیشگیری از وقوع جرم در قوه قضاییه ، با عنایت به وظیفه موجود در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که پیشگیری از وقوع جرم را در زمره وظایف محوله به قوه قضاییه می داند، انجام شود. جرایم یقه سفیدی به سبب دامنه تأثیرگذاری وسیع آنها بر جنبه های زیربنایی و اساسی یک جامعه ، دارای اهمیت بالایی می باشند و از این رو ضروری است تا برای جلوگیری از آسیب ها و تبعات

غیرقابل اغمازی که در جامعه به جا می گذارند ، برای پیشگیری از وقوع آن ها ، برنامه ریزی های دقیقی انجام بشود. اگر اجرای مجازات مجرمین یقه سفید ، با جنبه شدت ، قاطعیّت ، علنیّت و مساوات در اجرای کیفرها همراه باشد، قطعاً مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم و مجرمین بالفعل از تکرار جرم صرف نظر می نمایند. این مهم محقق نمی شود مگر با آنکه همانند سیره معصومین (ع) در بیان فساد و گناه مجرمین یقه سفید و دانه درشت ، هیچ مماشات و کوتاهی صورت نگیرد و برای حفظ مصالح حکومت اسلامی ، از اجرای شدید و قاطعانه مجازات در حق آن ها در ملأعام ، یک قدم هم عقب نشینی نشود.

منابع

قرآن کریم

- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۶، حقوق جزای عمومی ، جلد اول ، چاپ پانزدهم ، تهران ، انتشارات میزان.
- اکبری ، لیلا ، ۱۳۸۰ ، بررسی شیوه های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین المللی ، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، تهران ، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- البخاری الجعفی ، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله ، ۱۴۲۲ ، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم وسننه وأیامه (صحيح بخاری)، جلد چهارم ، چاپ اول ، بیروت ، دار طوق النجاة.
- جمعی از محققان ، ۱۳۸۹ ، فرهنگ نامه اصول فقه ، چاپ اول، قم ، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حرّعاملی ، محمد بن الحسن (شیخ حرّعاملی)، ۱۴۱۴، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه ، جلد نهم ، چاپ دوم، قم ، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- حسینی، غلامحسین، قاطعیّت و مدارا از دیدگاه امام علی (ع) ، فصلنامه روش شناسی علوم (حوزه و دانشگاه)، دوره هشتم ، شماره بیست و ششم، ۱۳۸۲ ، ۹۴-۶۴.
- حکیم، سید محمد تقی ، ۱۴۱۸ ، الأصول العامّة للفقّه المقارن، چاپ دوم ، قم ، مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- حمیری ، ابومحمد عبدالملک بن هشام بن ایوب ابن هشام (ابن هشام حمیری)، ۱۳۸۳، السیرة النبویة ، جلد دوم ، چاپ اول ، مصر ، مکتبه محمد علی صبیح وأولاده.
- حمیری ، عبدالله بن جعفر ، ۱۴۱۳، قرب الإسناد، چاپ اول ، قم ، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحیاء التراث.
- دادبان، حسن و آقای، سارا ، بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم، فصلنامه حقوق، دوره سی و نهم ، شماره سوم ، پاییز ۱۳۸۸ ، ۱۲۵-۱۴۸.
- سرکشیکیان ، سیدمحمدحسین، ساز کارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (ع) ، فصلنامه کارگاه، دوره دوم ، شماره هفتم ، تابستان ۱۳۸۸ ، ۷۹-۵۶.
- سلاجقه ، سعادت و ابراهیمی ، شهرام و سایبانی، علیرضا ، پیشگیری موقعیت مدارا از قاچاق کالا در قانون امور گمرکی، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری ، دوره پانزدهم ، شماره چهارم ، تابستان ۱۳۹۸ ، ۷۷-۵۷.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (سید رضی)، ۱۳۷۸، نهج البلاغه ، چاپ یازدهم ، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- طاهری، ابوالقاسم و حیدری های، محمود ، آسیب شناسی زمامداران از منظر امام علی(ع)، فصلنامه حوزه و دانشگاه، دوره هشتم ، شماره بیست و ششم ، بهار ۱۳۸۰ ، ۱۳۰-۱۰۸.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۶۳ ، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد دوم ، چاپ اول ، قم ، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- العکبری ، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید) ، ۱۴۱۳، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، جلد دوم ، چاپ اول ، قم ، کنگره شیخ مفید.
- قوامی ، سید صمصام الدین ، نظام قضایی امیر مؤمنان (ع) ، فصلنامه حکومت اسلامی ، دوره پنجم ، شماره هجدهم ، زمستان ۱۳۷۹.
- کراجکی ، محمد بن علی ، ۱۳۹۰ ، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر ، جلد اول ، چاپ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.



- الکتانی ، محمد عبد الحی ، ۱۴۳۱ ، نظام الحکومة النبویة المسمى التراتیب الاداریة ، جلد اول ، چاپ دوم ، بیروت ، دارالکتب العربی .
مجلسی ، محمدباقر بن محمدتقی (علامه مجلسی) ، ۱۴۰۳ ، بحار الانوار ، جلد هفتاد و دوم ، چاپ سوم ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی .
محمدی ری شهری ، محمد ، ۱۳۸۶ ، میزان الحکمه ، جلد ششم ، چاپ هفتم ، قم ، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث .
مظلومان ، رضا ، ۱۳۵۳ ، جرم شناسی (کلیات) جلد اول ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران .
معین ، محمد ، ۱۳۷۷ ، فرهنگ فارسی ، جلد اول ، چاپ دوازدهم ، تهران ، موسسه انتشارات امیر کبیر .
مکارم شیرازی ، ناصر و همکاران ، ۱۳۹۰ ، پیام امام امیرالمومنین (علیه السلام) ، جلد دوم ، چاپ اول ، قم ، انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع) .
موزن زادگان ، حسنعلی ، اصول دادرسی کیفری از دیدگاه امام علی (ع) ، فصلنامه مصباح ، دوره نهم ، شماره سی و چهارم ، تیر ۱۳۷۹ ، ۴۰-۲۵ .
موسوی مجاب ، سید دُرید ، جرایم یقه سفیدی با نگاهی به آموزه های دینی ، فصلنامه فقه و حقوق ، دوره ششم ، شماره بیست و دوم ، پائیز ۱۳۸۸ ، ۱۳۱-۹۹ .
میرمحمدصادقی ، حسین و رجبعلی ، اسلام ، تحلیل جرم زمین خواری از منظر حقوق کیفری ایران ، مجله حقوقی دادگستری ، دوره هشتاد و یکم ، شماره نود و هفتم ، فروردین ۱۳۹۶ ، صص ۷۷-۵۳ .
نوربها ، رضا ، ۱۳۹۲ ، زمینه حقوق جزای عمومی ، چاپ سی و چهارم ، تهران ، انتشارات گنج دانش .
نوری ، میرزا حسین ، ۱۴۰۹ ، مستدرک الوسائل ، جلد هفدهم ، چاپ دوم ، قم ، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث .

۱۵

- Croal, Hazel. (2001). **Understanding White Collar Crime**. Open University Press. Philadelphia.first publish. (2001).
- Freiberg, Arie. (2000). **Sentencing White-Collar Criminals**. paper presented at the Fraud Prevention and Control Conference Convened by the Australian Institute of Criminology in association with the Commonwealth Attorney-General's Department and held in Sufers Paradise, 24-25 august.1-21.
- Meier, WT Johnson. (1978). **The Deterrence Doctrine and Policy: A Response to Utilitarian in Preventing Crime**. Edited by J. Cramer , Sage Criminal Justice System Annuals, Vol. 4. No. 4.491-527.
- Odum, Howard. (1950). **American Sociology Edwin H. Sutherland. American Sociology: The Story of Sociology in the United States through 1950**. New York: Longmans, Green & Co. (1950).
- Simon, Jonathan. (2000). **Megan's Law: Crime and Democracy in Late Modern America**. , Law and Social Inquiry, Vol. 25. No. 4. 1111-1150.